

انتظار دانشجو

از حوزه

گزارش از: محمد باقر عطاریانی

پافشاری می‌کنند. چرا در هنگام برگزاری برخی از نشست‌ها و جلسات، باید بین روحانی و دانشجو درگیری بوجود آید؟ تصور می‌کنم اگر تعصبات را کنار بگذارند و از آنجا که هر دو یک عقیده و هدف را دنبال می‌کنند، مشکلات موجود حل شود.

خانم اعتمادی مقدم دانشجوی سال آخر ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد نیز می‌گوید:

روحانیت این انتظار را نداشته باشد که دانشجو به طرف او بیاید. ضرورت ایجاب می‌کند که حوزه، بویژه روحانیونی که در مسایل سیاسی و علمی دارای تخصص هستند به سمت دانشگاه بیایند.

روحانیون حاضر در دانشگاهها متأسفانه به‌درستی ادای وظیفه نمی‌کنند. در بحث تهاجم فرهنگی فعالیت و توصیه لازم را در کلاسها ندارند. در کنار درس،



مسایل اخلاقی و دینی که لازمه جامعه است باید مطرح کنند. از سوی دیگر روحانی باید به مطالبی که می‌گوید و مطرح می‌کند عمل کند تا بی‌اعتمادی

سپهری دانشجوی سال سوم فیزیک دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در این زمینه می‌گوید:

روحانیونی که در محیط‌های دانشگاهی فعالیت دارند باید نمونه والگو



باشند. هر یک از آنها برای ما نمونه‌ای از درس اخلاق هستند. اگر اشتباهی و خطایی از دانشجو سرزد آنرا با بردباری جواب دهند نه اینکه شخصیت او را خرد کنند.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه نیز باید به‌آگونه‌ای عمل کند که دانشجو مشکل خود را به راحتی بیاورد

میان بگذارد و از سوی دیگر این نهاد حل‌کننده مشکلات دانشجو باشد. انتظار داریم این نهاد کار راه‌اندازتر از سایرین باشد.

در مورد عوامل جدایی حوزه و دانشگاه نیز متأسفانه وجود برخی تعصبات موجب جدایی آنها شده است، در حالی که هم حوزه و هم دانشگاه ما، هر دو اسلامی هستند. بنابراین بین دو قشر اسلامی ما

نباید تفاوت وجدایی باشد. این دو در اصول و پایه وجه مشترک دارند، اما می‌بینیم که هر یک در برخی تعصبات بی‌جا و اشتباهاتی که از آنها سر می‌زنند

حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهادی هستند که همواره و در طول تاریخ کشور، هر کدام به سهم و حوزه مسؤولیتی که برعهده داشته‌اند، توانسته‌اند نقش مثبت خود را در ابعاد ملی به خوبی ایفا نمایند و هر یک از این دو نهاد، کارکردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... ویژه خود را دارا بوده و هستند. از این رو بحث پیوند و تفاهم حوزه و دانشگاه، و چگونگی ارتباط و تعامل این دو نیازمند نگاهی دوباره است.

اگر برنامه‌هایی باشد که دانشجو و طلبه باشیوه‌های کار یکدیگر در قالب مناظره، میزگرد و جلسه پرسش و پاسخ آشنا شوند بسیاری از معضلات موجود برطرف می‌شود.

اکنون در عصر توسعه سازندگی و گفت‌وگوی تمدن‌ها، حضور نقش این دو قشر بیش از پیش، احساس می‌شود؛ باید رقابت و فراقیت این دو را به رفاقت

و همدلی تبدیل کرد. و این مهم تحقق نخواهد یافت، مگر با تفاهم، هم‌اندیشی و درک متقابل. از این رو، به سراغ دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه

فردوسی، علوم پزشکی، و دانشگاه آزاد مشهد رفته و نظرات آنان را پیرامون: انتظار از روحانیت، عوامل جدایی حوزه

و دانشگاه، مشکلات دانشجویان و راههای مفاهمه و همدلی حوزه و دانشگاه جویا شدیم.

نسبت به او پیش نیاید. اگر دم از اسلام می‌زند به آن عمل کند. روند موجود باعث شده که دانشجویان ما به برخی از روحانیون اعتماد نداشته باشند. اساتیدی که از حوزه برای تدریس به این دانشگاه می‌آیند باید مسایل دینی را بازیبایی شیرین و شیوا بیان کنند تا دانشجو تحت تأثیر قرار گیرد.

محمد فصیحی دانشجوی سال چهارم زمین شناسی دانشگاه فردوسی مشهد در مورد انتظاراتش از روحانیون می‌گوید: توقعات ما خارج از انتظارات جامعه نیست. همه ما پیاده کردن احکام اسلامی



را از روحانیون مطالبه می‌کنیم. امروز اسلام با جامعه و مسایل روز در حال حرکت است و ما نه آزادی مطلق را می‌خواهیم و نه تهذیب مطلق راه، در کنار پیشرفت‌های سخت‌افزاری و فن‌آوری باید انسانیت و پیاده شدن احکام اسلامی مطرح باشد. برای ایجاد یک رابطه صحیح و اسلامی تنها روحانیون ما هستند که می‌توانند نقشی اساسی ایفا کنند. از دیگر توقعات ما پیاده کردن جنبه‌های اسلامی است که نباید با ما خشک برخورد شود. آنچه که نیاز یک جوان است و حس می‌کند به آن احتیاج دارد باید آن را درک کنند. ما همه جوان هستیم و فکر و ذهن ما همچون ریگی کوچک در دل کویر است. با هر بادی به سمتی جذب می‌شود و چقدر خوب است که این حرکت از سوی مبلغان اسلامی‌مان صورت گیرد.

در مورد جدایی دو قشر روحانی و دانشجو نیز متأسفانه برخی مسایل ما بایک سری مسایل شرعی در پزشکی روبرو هستیم که اینها باید برای ما روشن شود. الآن ارتباط ضعیفی برقرار است و روحانیون معدودی داریم که باید روشن با دانشجو برخورد کنند. برای برقراری این ارتباط باید جرقه اول را روحانیون بزنند. دانشجو در مسایل دینی اگر منبع خوبی پیدا نکند، دلسرد می‌شود.

موجود آن ریشه در تاریخ انقلاب دارد. بحث جدایی دین از سیاست، مسأله غریب‌گی و... این‌ها بصورت یک ریشه اکنون به ساقه‌ای تبدیل شده و انشعاباتی از این ساقه همچون وقایع و درگیری‌های دانشگاهها نیز بوجود آمده است که روز به روز بین این دو قشر فاصله ایجاد کرده است. اگر روحانیت در کنار دانشگاه حرکت کند اسلام فراگیر خواهد شد، اما متأسفانه ما هنوز این جدایی را حس می‌کنیم. از دیگر مسایل موجود که بین دانشجو و روحانی فاصله انداخته است وجود برخی مسایل است که قرار اولی نسبت به دین و مذهب میان روشن نگرداند. ما مسلمان‌زاده هستیم در این حال، یک آمریکایی سیاه‌پوست را می‌بینیم که باقرائت چند صفحه قرآن، اسلام را درک کرده و مسلمان واقعی می‌شود. در اسلام آمده که اگر فرد مسلمانی تغییر دین بدهد باید اعدام شود چون مرتد شده ولی از آن سو هم در قرآن آمده که لا اکره فی الدین، این نکات در ذهن ما تداخل ایجاد می‌کند و تنها کسی

که می‌تواند این قضایا و پرسش‌های فراوان دیگر را برای ما باز و روشن کند روحانی است.

یزدانی دانشجوی سال آخر گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد نیز می‌گوید: یک سری از دروس دانشگاهی ما توسط روحانیون تدریس می‌شود و اگر علاوه بر مطالب درسی، معارف و اخلاق را توضیح و تشریح کنند ضروری به نظر می‌رسد که قشر دانشجو و جوان ما نیازمند



این نکات است. در این زمینه کمبودهایی احساس می‌شود، بنابراین روحانیت باید بیشتر در صحنه باشد به خصوص اینکه در محیط دانشگاه محیطی باصفا و با اخوت بین اساتید و دانشجویان برقرار کنند.

در ارتباط با عوامل جدایی حوزه و دانشگاه نیز هریک از آنها نقش دارند. در هر دو محیط افرادی را داریم که در زمینه‌های علمی و عملی پیشرفت‌هایی دارند و آنان باید دست بدست هم دهند و با استفاده از تخصص‌ها و آگاهی‌های یکدیگر مشکل حوزه و دانشگاه و بحث جدایی را حل کنند.

دوستی، دانشجوی رشته ادبیات سال چهارم دانشگاه فردوسی مشهد: اولین انتظار و توقع خود را از روحانیون و مدرسین دانشگاه در این می‌داند که آنها سرآمد همه باشند. نمونه والگو باشند به نحوی که کم‌وکاستی در آنها از نظر علمی وجود نداشته باشد.

دانشگاهی ما به لحاظ فکری و عقیدتی نیازمند است و حوزه نیز برای آشنایی با علم روز به دانشگاه نیازمند است. در بحث فقاهت بطور کلی جو حوزه‌ها باید نیازهای روز جامعه را شناسایی کنند. یکی از ارکان فقاهت مبانی فقهی و دیگری شناخت نیازهای روز است که فقیه باید این دو را با هم تلفیق و احکام را استخراج کند.

حضور آن دسته از روحانیونی که در سطوح علمی اخلاقی بالایی قرار دارند، نقش مؤثری در خط دهی به دانشجو دارد و در حقیقت آنها می‌توانند عامل مهم و مؤثری برای معرفی اسلام ناب محمدی باشند.

برای ارتباط هرچه بیشتر این دو قشر با یکدیگر برگزاری سمینارها و گردهم‌آیی‌ها، کنفرانسهای مشترک حوزه و دانشگاه ضروری است. روحانیت این انتظار را نداشته باشد که دانشجو به طرف او بیاید. ضرورت ایجاب می‌کند که حوزه، بویژه روحانیونی که در مسایل سیاسی و علمی دارای تخصص هستند به سمت دانشگاه بیایند. ما سمینارهای زیادی برگزار می‌کنیم ولی متأسفانه در این سمینارها روحانیون دیده نمی‌شوند. ما در زمینه علوم دینی و اسلامی کارشناس لازم داریم و این یک نیاز است. بنابر این وجود تفاهمی متقابل ضمن اینکه روحانیت بیشتر وارد صحنه شود تا به دانشجو نزدیک‌تر شود امری ضروری است.

فاطمه منظریان دانشجوی سال دوم رشته پزشکی می‌گوید: انتظار دارم روحانیون به ما کمک کنند تا با مسایل و مشکلاتی که دانشجویان پزشکی از لحاظ شرعی با آن روبرو هستند ما را یاری کنند. اخیراً درسی داشتیم در مورد

طی کردن مراحل علمی در حوزه‌ها. از نظر من خیلی جالب بود، چرا که تا بحال اطلاع نداشتم یک روحانی برای آموزش و تدریس چه مراحل را طی می‌کند یا اینکه چه مراحل را طی می‌کند تا به درجه اجتهاد برسد. همچنین از نظر من جالب بود وقتی مطلع شدم طلبه‌ها در سایر رشته‌ها نیز آموزش می‌بینند. ما از حوزه‌ها خبری نداریم و فکر می‌کنم نظیر این مشکل از طرف حوزه‌ها نیز وجود داشته باشد. اگر برنامه‌هایی باشد که دانشجو وظایف باشیوه‌های کار یکدیگر در قالب مناظره، میزگرد و جلسه پرسش و پاسخ آشنا شوند بسیاری از معضلات موجود برطرف می‌شود.

ما همه جوان هستیم و فکر و ذهن ما همچون رنگی کوچک در دل کویر است. با هر بادی به سمتی جذب می‌شود و جقدر خوب است که این حرکت از سوی مبلغان اسلامی مان صورت گیرد.

محمود مولایی دانشجوی سال پنجم رشته پزشکی نیز می‌گوید: طی این سالها بویژه در سالهای اخیر ارتباطی با روحانیون نداشته‌ام. از نظر درسی نیز این ضعف وجود دارد. هیچ زمان آنها به طرف ما نمی‌آیند و ما ارتباطی را با آنها حس نمی‌کنیم. حتی این حس که نهاد رهبری وجود دارد کمتر دیده می‌شود. تبلیغاتی وجود نداشته و نمی‌دانیم که نهاد رهبری اصلاً در دانشکده چه می‌کند؟ اگر دانشجویی در ترم یک و دو، خود بدنبال ارتباط باشد ارتباطی برقرار می‌شود و گرنه ارتباطی وجود ندارد.

کسی هم نیست که این ارتباط را بخواهد و حتی برخی نمی‌دانند که اتاق آنها کجاست. از سوی دیگر نقش آنان برای ما مشخص نیست. عواملی نظیر پراکندگی کارها و فعالیت‌ها، نبود

جلسات هفتگی بین حوزه و دانشگاه، عدم اهمیت به مباحث و سخنرانی‌ها که غالباً نیازی هم به بودجه و اعتبار ندارد، موجب شده که ارتباط بین دو قشر یادشده برقرار



نشود. تغییر مدیریت‌ها به این مشکل دامن می‌زند.

حسن طباطبایی دانشجوی سال دوم دانشکده پزشکی مشهد هم می‌گوید: رشته پزشکی با مسایل شرعی ارتباط نزدیکی دارد و دانشجویان آن نیز به مسایل شرعی علاقه‌مندند. اگر روحانیون در مسایل اعتقادی بیشتر با ما در ارتباط باشند، مانیز خیلی استقبال می‌کنیم. تنها برگزار کردن نماز جماعت و بیان مطالب پیرامون دروغ، غیبت کردن و دیگر مسایل فرعی زیاد کار ساز نیست. ما بایک سری مسایل شرعی در پزشکی



روبرو هستیم که اینها باید برای ما روشن شود. الآن ارتباط ضعیفی برقرار است و روحانیون معدودی داریم که باید روشن با دانشجو برخورد کنند. برای برقراری این ارتباط باید جرعه اول را روحانیون بزنند. دانشجو در مسایل دینی اگر منبع خوبی پیدا نکند، دلسرد می‌شود. مشهد به دلیل مذهبی بودن و حوزه‌های آن که در

سطح بالایی قرار دارد، باید اساتید حوزه و مراجع تقلید به ما معرفی کنند تا ما مطالب و مسایل خود را با آنها در میان بگذاریم. مردم از پزشکان نیز حرف شنوی دارند و تقویت مسایل دینی دانشجو می‌تواند ارتباط او را با بیمار بیشتر کند و برای رسیدن به این هدف، روحانی می‌تواند نقش خوبی ایفا کند.



محمد اسماعیل زاده از دانشجویان پزشکی ورودی سال ۷۶ نیز اظهار داشت:
ارتباط روحانی با دانشجو نقش مؤثری در روشننگری نسل دانشگاهی که فردا می‌خواهد پست‌های مدیریتی کشور را بر عهده بگیرد، دارد. اکنون درس معارف اسلامی به شکل موجود در دانشکده‌ها کاربرد ندارد. صرفاً درسی است که دانشجو می‌خواهد فقط از آن نمره بگیرد. جلسات درس معارف باید جلسات بحث و گفتگو و آموزش فکری اعتقادی باشد نه اینکه صرفاً حرف و کار حضور و غیاب در آن انجام شود.

این کلاسها می‌تواند مقدمه‌ای برای ارایه بحثهای عمیق‌تر و کلی‌تر در دانشگاه باشد. متأسفانه عملاً آنچه که وجود دارد حالت جدایی حوزه و دانشگاه است، یعنی دانشگاه و حوزه ما رسالت خود را به درستی نتوانسته‌اند انجام دهند. ارتباط دوطرفه و متقابلی که باید بین این دو باشد الآن وجود ندارد در حالی که این دو نهاد مهم جامعه، باید یکدیگر را تغذیه کنند. دانشگاهی ما به لحاظ فکری و عقیدتی نیازمند است و حوزه نیز برای آشنایی

با علم روز به دانشگاه نیازمند است. در بحث ققاهت بطور کلی جو حوزه‌ها باید نیازهای روز جامعه را شناسایی کنند. یکی از ارکان ققاهت میانی فقهی و دیگری شناخت نیازهای روز است که فقیه باید این دو را با هم تلفیق و احکام را استخراج کند. البته عوامل خارجی نیز وجود دارد که ضمن دشمنی با کشور سعی می‌کنند بین همه اقشار از جمله روحانی و دانشجو جدایی و تفرقه ایجاد کنند، با طرح شبهاتی سعی می‌کنند وحدت از بین برود.

محمد زروندی از دیگر دانشجویان سال دوم دانشگاه فردوسی مشهد نیز می‌گوید: دانشجو توقع دارد نکات مبهمی را که در ذهن او در خصوص مسایل سیاسی اجتماعی کشور وجود دارد توسط یک روحانی باسواد و آگاه و روشن بر طرف شود.

در باب ولایت فقیه هنوز بسیاری از دانشجویان نیاز به آگاهی‌های بیشتری دارند و اگر روحانی آگاهی باشد که متأسفانه کمبود آن احساس می‌شود، این مشکلات حل می‌شود. دانشجو حرف منطقی را می‌پذیرد.

عبدالجواد شریعت نژاد دانشجوی سال چهارم پزشکی می‌گوید: با توجه به پیشرفت تمدن و تکنولوژی جهان، از نظر روحی همه انسانها در تشیب قرار دارند این مختص جامعه مانیست، بلکه در تمامی جوامع بشری وجود دارد. جوانها بویژه دانشجویان در این برهه از سن خود احتیاج به راهنمایی افرادی دارند که آنها را درک کنند. درد آنها را بفهمند و غالباً روحانیون هستند که می‌توانند آنها را یاری دهند. به جز روحانیون هیچ کس دیگری توان این کار را ندارد. اکنون مهمترین علت افزایش مشکلات ما در

باب جدایی از روحانیت وجود تکنولوژی‌های موجود و موج دنیازدگی و روزمرگی و سرگرمی به فن‌آوری‌های روز و به تبع دوری از روحانیت است. در این شرایط روحانیت می‌تواند به گونه‌ای صحیح و اصولی، معنویت را به دانشجو القا کند ما از روحانیون انتظار داریم طوری برخورد کنند تا دانشجو احساس نکند که مسایل معنوی چیزی جدا از حیات اجتماعی و دانش سخت‌افزاری است. باید شرایطی را فراهم کنند که دانشجو درک کند، معنویت و روحانیت مخالف تکنولوژی نیست. در ارتباط با عوامل جدایی این دو قشر نیز متأسفانه آن انتظاری را که از دانشگاه می‌رود دیده نمی‌شود. از سوی دیگر دفتر نهاد نمایندگی رهبری، انجمن اسلامی، جامعه اسلامی، بسیج و... نیز بخوبی فعالیت نکرده‌اند. درحقیقت همه از هم فاصله



گرفته‌اند. در نتیجه روابط ناخوشایندی بین دانشجو و... بوجود آمده است. در این میان از روحانیون انتظار بیشتری می‌رود که در این میان اصولی‌تر برخورد کنند. اگر از ابتدا این دو قشر با هم خوب برخورد کرده بودند الآن وضعیت بهتر از این بود و برای برقراری چنین ارتباطی هنوز دیر نشده است.

عکس‌ها از: حبیب امان